آینه‌های روبه‌رو

شاعری که از رود گذشت

علیرضا رییس دانایی
مدیر انتشارات نگاه

■ محمود مشرف‌آزادتهرانی (۱۳۸۴-۱۳۱۲) زاده تهران، با نام شعری (م. آزاد)، نخستین دفتر از شعرهایش را با عنوان «دیار شب» به سال ۱۳۳۴ در ۲۴ صفحه و با پیش‌سخنی از احمد شاملو منتشر کرد. این مجموعه در روزگار خود نشان از به عرصه آمدن شاعری می‌داد که بعدها یکی از چهره‌های مطرح شعر معاصر در دهه ۴۰ شد. آن روز کسی آزاد را نمی‌شناخت. اما شاملوی گوهرشناس در سطور آخرین یادداشت خود بر این کتاب این‌گونه نوشت و پیش‌بینی کرد:

«در این اشعار تلاش هست، اما مسوولیت در برابر مخاطب فراموش شده است. آزاد این مسوولیت را به زودی درخواهد یافت. من این را یقین دارم.»

آزاد با همان نخستین شعرهایش نشان داد که هم با ادبیات کلاسیک ایران آشناست و هم به نوگرایی معتقد است. از این روی، وی در تمام سال‌های سرودن با تلفیق زبان آرکاییک و نوعی مدرنیسم به زبان خاص خود در شعر رسید و کلامش از دیگر شاعران هم‌عصرش متمایز شد.

همین نگاه او در شعر، سبب شد که در یک دوره پربار نقدنویسی بر مجموعه‌های شعر دیگر شاعران یا مقالات مستقل، هم به فرم در شعر اهمیت داده و هم نوعی نگاه اجتماعی و جامعه‌گرایانه را در شعر بازتاب دهد. او با اینکه به نوعی تعهد سیاسی و اجتماعی در شعر معتقد بود و به آن پای می‌فشرد، اما هرگز در سروده‌هایش، شعر سیاسی با تاریخ مصرف ننوشت. او در شعرش از واژگانی مناسب و اصیل بهره می‌گرفت که وزن و هارمونی مناسبی را در کلامش جاری می‌کرد و بی‌تردید او در کنار کسانی چون نیما، اخوان، سپهری، کسرایی، فروغ و شفیعی کدکنی از شمار کسانی است که در وزن شعر نو فارسی تاثیرگذار بوده‌اند. او همچنان می‌سراید و از قصیده بلند باد و دیدارها (۱۳۴۵) به آیینه‌ها تهی‌ست (۱۳۴۶) می‌رسد و در کنار گزیده شعرهایش بهارزایی آهو (۱۳۴۹) که به انتخاب شاعر دیگری فراهم آمده بود، مجموعه با من طلوع کن را به سال (۱۳۵۲) یعنی در دوره‌ای تاریک‌تر از هر زمان فضای سیاسی و اجتماعی منتشر می‌کند که در واقع گزینشی است از شعرهای یک دهه و نیم گذشته به همراه نیمی از شعرهای دفتر «فصل خفتن.» او خود بر این باور است که نباید به شعرهای این دفتر برچسب عرفان و تغزل زد و از کنارشان گذشت. آزاد این شعرها را کمال در سرودن نمی‌داند بلکه تحولی می‌داند که امید نقب زدن به روشنایی را دارد و تلاشی است برای رهایی از تلخی و نومیدی کشنده‌ای که جان‌ها را خسته کرده است:

تا نعره‌ای برآورد از شوق
امانمی‌تواند
این ابرهای سرد سترون
این ابرهای مرده اکلیلی یاوه است
می‌اندیشدشاعر

زبان روان و سلیس و واژگانی که در میان سطور شعر شاداب و پرخون زندگی می‌کنند در کنار دانش شعری و ادبی آزاد، نوعی تشخص به کار او می‌دهد که سبب می‌شود خواننده و مخاطب از کنار شعر او به‌آسانی نگذرد. او صادقانه می‌سراید، همچنان که صادقانه زندگی می‌کرد و به هستی می‌نگریست، او در زندگی خصوصی و دوستی‌هایش نیز پایمرد بود و کسانی که او را از نزدیک می‌شناختند به نیکی می‌دانند که در پس آن چهره صمیمی و چشمان غمگین چه خلوصی نهفته بود و چه جان شیفته‌ای این قامت تکیده را برپای می‌داشته است. آزاد سمبلی از شرف آدمی در دوران روزمرگی‌ها و مزدستانی‌ها بود، او باوجود گرفتاری‌های بیرون از حد و بیماری جسمانی تن به هر کاری نداد، جوهر انسانی خود را پاک و بی‌آلایش حفظ کرد. زنده‌یاد م. آزاد روزگاری از آرزوی چاپ مجموعه آثارش در مجموعه اشعار انتشارات نگاه یاد کرده بود، افسوس که این خواسته آن بزرگمرد در دورانی که جسمش به خاک خفته جامه‌عمل می‌پوشد. او شاعری بود که فروتنانه می‌سرود:

برای گذشتن از این رود
رنگین‌کمانی باید بود.

و او تمامیت این رنگین‌کمان بود. از رود گذشت و رفت تا آن‌سوی بودن و در شعرش هنوز با ماست.

لاله نالید
صدا از تیشه فرهاد افتاد
صدای گریه شیرین
میان باغ تنهایی هزاران لاله از باران
فرو ریخت.

خبر آخر

علت تاخیر در ارایه پروانه ساخت

■ کمیته اقتصادی شورای‌عالی سینما گزارش داد؛ به دلیل تاخیر در ارایه پروانه ساخت به یک بانوی فیلمساز، تهیه‌کننده فیلم مجبور شد پس از پیش‌تولید، فیلم دیگری را در دستور کار قرار دهد. این‌گونه روش‌ها باعث شده است در میان فیلم‌های آماده نمایش برای سال آینده، به تعداد انگشتان دست نیز فیلمساز صاحب‌نام و فیلم قابل تامل موجود نباشد.

بر اساس گزارش دبیر این کمیته در حال حاضر ۱۱۸فیلم در مرحله پیش‌تولید، ۱۲ فیلم در مرحله فیلمبرداری و ۶۵ فیلم در مراحل مختلف فنی است. بسیاری از کارگردانان یا تهیه‌کنندگان این فیلم‌ها شناخته شده نیستند. دبیر این کمیته اضافه کرد: «با توجه به تجربه اعضای کمیته صیانت به نظر نمی‌رسد که اغلب این فیلم‌ها بتوانند بر سرمایه‌های کیفی سینمای ایران بیفزایند. اگرچه به هر حال در بعد کمی می‌توانند به آمار مسوولان اضافه کنند.» اعضای شورای‌عالی ابعاد این گزارش را از جهات مختلف مورد توجه و بررسی قرار دادند.

نقد

بدعت و اصالت در باغ ایرانی

لیلی گلستان

۱ـ اسفند ۸۹ بود که برای نخستین بار (گالری گلستان) زیور آرایه‌های تکتم فاضل و بهرام دشتی‌نژاد را با عنوان «باغ ایرانی» به تماشای مردم گذاشت و حال که هنوز یک سال از آن نمایشگاه نگذشته باز میزبان آثار تازه این هنرمندان جوان است که همین گویای میزان استقبال مردم و پاسخ گفتن گالری به انتظارات آنهاست. ۲ـ سال گذشته، وقتی این زوج هنرمند آثارشان را برایم آوردند تا وقت نمایشگاه بگیرند، از خلاقیت و ظرافت کارشان حیرت کردم، اما برای اطمینان بیشتر، از برخی استادان جواهرسازی نیز دعوت کردم تا درباره زیور آرایه‌های آنان داوری کنند (به عنوان یک گالری‌دار همیشه از اعتماد مردم مراقبت می‌کنم.) آنها نیز حیران نوآوری و کار دقیق این زوج شدند. و برخی از آنها تردید داشتند به اینکه تمام کارها با دست انجام گرفته است چون باور آن همه ظریف‌کاری در چنین سطح کوچکی از ورق نقره یا طلا سخت بود. فاضل و دشتی‌نژاد یک CD از روند خلق این آثار برای من آوردند و من دیدم که آنها چگونه این آثار کوچک را نقش می‌زنند و اره کاری می‌کنند و سمباده می‌زنند و به هم می‌چسبانند. ۳ـ «بدعت و اصالت» دو مولفه‌ای است که اثر هنری برای ماندگار شدن نیاز دارد. در دنیای پر هیاهوی هنر، آثار هنری‌ای به چشم می‌آیند که از کپی بودن پرهیز کرده و خاص خلاقیت هنرمندش باشند. جواهرسازی هنری نیز از این قاعده مستثنا نیست، به خصوص که این‌گونه آثار اکنون جای ویژه‌ای نزد مردم یافته و هر روز به اقبالش افزوده می‌شود. خوشبختانه زیور آرایه‌های تکتم فاضل و بهرام دشتی‌نژاد از این منظر نیز معیارهای لازمه را دارا هستند، آنها به خوبی موتیف‌های ایرانی را روزآمد کرده و در یک قطعه کوچک نقره یا طلا آن را بازتاب داده‌اند. هر اثر آنها به راستی تلفیق مدرنیته و سنت است و در آنها روح ایرانی جریان دارد از همین روست که دلم می‌خواهد آثارشان را به خارج از ایران هم معرفی کنم، چه بسا گالری‌هایی در فرانسه و انگلیس. ۴ـ بی‌تعارف در تمام ۲۳ سال گذشته این زوج از معدود هنرمندانی بودند که برای آثارشان قیمت‌های منطقی پیشنهاد دادند و من دیدم آنقدر نسبت به کاری که می‌کنند، منصف هستند که روی حرف‌شان حرفی نزدم. و خرید قابل ملاحظه از این نمایشگاه و هم از نمایشگاه سال پیش مدعای این انصاف است. استقبال مردم موید این نکته هم هست که این‌گونه هنر دارد جای خود را هر روز بازتر می‌کند. من بازدید از این نمایشگاه را به دوستداران هنر توصیه می‌کنم، زیرا آثار آنها امسال بسیار زیباتر، حرفه‌ای‌تر و متنوع‌تر شده است.

نظر

حق تجربه کردن

لاله اسکندری*

آشنایی‌ام با گروه «هوران» به مهرماه امسال برمی‌گردد؛ زمانی که سعید سلطانی، تهیه‌کننده کنسرت این گروه پیشنهاد دکلمه کردن در این برنامه را به من داده به نظرم آمد که باید اتفاق جذابی باشد. حالا هم خیلی خوشحالم که در این فضای پر از شور و اشتیاق قرار گرفته‌ام. به عنوان اولین تجربه هم خیلی هیجان دارم تا بدانم بازتاب آن در میان مخاطبان چطور است و امیدوارم که شروع راه و مسیری طولانی باشد. دکلمه کردن و نریشن، جدای از حرفه بازیگری نیست و یک بازیگر به دلیل قدرت بیان در انتقال حس کلام به مخاطب تواناتر و موثرتر است. بنابراین، پیشنهاد دکلمه کردن در این برنامه را خیلی غریب و به دور از تجربیاتم نمی‌دانستم، چرا که در طول فیلم خانواده ارنست که هم‌اکنون روی پرده سینماهاست، نامه‌هایی که به استادم می‌نوشتم را دکلمه کرده‌ام. در سریال «همچون سرو» به کارگردانی «بیژن بیرنگ» نیز راوی قصه هستم. همواره آرزوی نواختن ساز یکی از آرزوهای همیشگی‌ام بوده. البته با خواهرم ستاره پیانو می‌نوازیم اما فرصتی برای فعالیت در این عرصه برایمان پیش نیامده بود. به همین دلیل فضای متفاوت این کنسرت با سینما و تئاتر برایم تازگی داشت چرا که در فیلم یا نمایش، تصویر برای کلام در کار وجود دارد ولی در اینجا باید دکلمه‌ای که می‌کنم به تصویرسازی و فضاسازی ذهنی مخاطب کمک کند. من به شخصه فضاهای خالی بازیگری را با کارهایی که دوست دارم و برایشان زحمت کشیده و درس خوانده‌ام پر می‌کنم ولی بازیگری به من کمک کرده است که این قبیل فعالیت‌هایم زودتر و گسترده‌تر عیان شود. معمولا انتقاداتی به بازیگران یا خوانندگان درخصوص فعالیت‌های هنری جدای از حرفه‌شان می‌شود. من همیشه در زندگی‌ام به دنبال نوآوری و انجام کارهایی که در نظرم درست بوده رفته‌ام. تابع موج‌های مقطعی هم نیستم؛ بلکه بسته به احوالات شخصی و روحی و همچنین نیازهای متفاوتم در زندگی، دست به انجام تجربه‌هایی که دغدغه‌ام هستند می‌زنم. فکر می‌کنم این برخورد دگمی است و کسی که در دایره و محیط هنر دارد فعالیت می‌کند؛ حق تجربه کردن، چه موفق یا ناموفق را دارد. البته من این مسیر را با احتیاط بیشتری پیش می‌روم چرا که متاسفانه نگاه بدبینانه‌ای در این زمینه وجود دارد ولی درنهایت اثری که به جا می‌گذاریم مهم است.

* راوی و کارگردان هنری گروه موسیقی هوران

اهدای جایزه ۶۵ میلیون تومانی به رمان برتر

نویسنده گمنام مشهدی برنده شد

گروه هنر: طلسم جایزه ۱۱۰ سکه‌ای جلال آل‌احمد شکسته شد و «منصور انوری» نویسنده‌ای میانسال و ناشناخته در مشهد قرار است چهارشنبه جایزه ۶۵ میلیون تومانی را دریافت کند. هرچند این خبر هنوز از سوی نهاد رسمی برگزارکننده جایزه- خانه کتاب- تایید نشده است. نویسنده میانسال رمان پنج جلدی «جاده جنگ» با تعجب از صبح دیروز در پشت تلفن پاسخگوی رسانه‌های گوناگون بود تا از شوق و شعفش بگوید و اینکه سزاوار این جایزه نیست و می‌خواهد پس از سال‌ها اجاره‌نشینی اگر بتواند خانه‌ای برای خود بخرد. علی شجاعی‌صایین، مدیرعامل خانه کتاب و دبیر جایزه ادبی جلال آل‌احمد در گفت‌وگو با «شرق» خبر برگزیده شدن رمان جاده جنگ به عنوان اثر برتر داستانی در رشته رمان را نه تایید و نه تکذیب کرد. او گفت: «ما حتما در این دوره برنده جایزه اول در بخش ادبیات داستانی و بخش رمان خواهیم داشت.» گران‌ترین جایزه ادبی پس از چهار دوره اهدا شده است. به گفته شجاعی‌صایین این جایزه در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است و اعتبار آن از سوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تامین می‌شود. در نخستین دوره فیروز زنوزی‌جلالی بامجموعه داستان کوتاه شایسته تقدیر شناخته شد و ۲۵ سکه جایزه گرفت تا از تنها برنده کتاب سال بزرگسال «احمد بیگدلی» جایزه بیشتری از نظر مادی دریافت کند. این جایزه در دومین دوره، برگزیده‌ای در بخش داستان نداشت. هیات داوران ناشناس دوره سوم نیز در سال ۱۳۸۹ رمان «تالار پذیرایی پایتخت» نوشته محمدعلی گودینی را عنوان اثر تقدیری اعلام کردند. هیات داوران این جایزه علت نداشتن برنده اول در چند سال گذشته را «منتشر نشدن اثری درخور دریافت جایزه‌ای به این گرانی» دانستند. نکته‌ای که با بررسی جوایز غیردولتی و آثار منتشر شده در چند سال گذشته می‌توان آن را نقض کرد. به نظر می‌رسد هیچ کدام از آثار قابل تاملی که در چند سال گذشته در حوزه ادبیات داستانی چه در بخش داستان کوتاه و چه در بخش داستان بلند منتشر شده مورد توجه – شاید هم بررسی– هیات داوران جایزه جلال قرار نگرفته است. نکته‌ای که مدیرعامل خانه کتاب درباره‌اش می‌گوید: «ما به عنوان دبیرخانه و کارگزار این جایزه هیچ نظر و دخالتی درباره برگزیدگان و آثار بررسی شده نمی‌دهیم. هرساله فراخوانی از سوی خانه‌کتاب منتشر می‌شود و آثار رسیده به دبیرخانه جایزه توسط هیات انتخاب و داوران انتخاب و داوری می‌شود.» شجاعی‌صایین با دفاع از عملکرد هیات داوران ناشناس این جایزه در سه دوره گذشته گفت: «انتخاب‌ها براساس اصول حرفه‌ای ادبیات و نقد ادبی است. ما فقط در حوزه ادبیات داستانی برگزیده نداشته‌ایم بلکه در حوزه‌های دیگر چون تاریخ و نقد ادبی نیز برگزیده داشتیم. ضمن اینکه ارزش اثر شایسته تقدیر هم کم نبوده است.» اثر شایسته تقدیر از ۱۱۰ سکه بهار آزادی تنها ۲۵ سکه را دریافت کرده است. مدیرعامل خانه کتاب می‌گوید: «داوران ما به آثار امتیاز می‌دهند و اثری که ۹۰ امتیاز از مجموع صد امتیاز را کسب کند، می‌تواند برگزیده نهایی باشد. آثاری که شایسته تقدیر هستند حداقل ۸۰ امتیاز داشته‌اند. این نشانه این است که این آثار قابل تامل بوده‌اند.» صرف‌نظر از اینکه این جایزه در چه شرایطی برگزار می‌شود در نهایت و با همه نقدهایی که به این جایزه و سایر جایزه‌های دولتی می‌شود، سرانجام در چهارمین دوره یک اثر داستانی به عنوان برگزیده نهایی انتخاب شد. رمان پنج جلدی «جاده جنگ» که انتشارات سوره مهر آن را چاپ کرده است، از روز سوم شهریور ۱۳۲۰ و ماجرای هجوم روس‌ها به کشور از شمال‌شرقی خراسان به ایران و اشغال کشور توسط متفقان آغاز می‌شود و با پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به اتمام می‌رسد. منصور انوری در یکی از اظهارنظرهایش گفته بود که: «من ۱۷ سال وقت صرف تحقیق و نگارش کتاب کرده‌ام و همان‌طور که می‌دانید تاکنون پنج جلد آن منتشر شده و جلدهای دیگر آن در دست چاپ و نگارش است و رمانی دست‌کم ۱۰ جلدی خواهد بود.» مجید قیصری یکی از نویسندگانی که در چند سال گذشته به عنوان یکی از گزینه‌های این جایزه مطرح بود اما به دلیل دولتی بودن از آن انصراف داده است، می‌گوید: «کسی که کار ادبیات می‌کند باید صبور باشد. زمان نشان می‌دهد که آیا این انتخاب‌ها ماندگار است یا خیر؟ این مردم و مخاطبان هستند که آثار خوب را از بد تشخیص می‌دهند. در فرداها این ماندگاری‌ها مشخص می‌شود.» اما فیروز زنوزی‌جلالی که کتابش در نخستین دوره جایزه ادبی جلال به عنوان اثر برگزیده انتخاب شده، می‌گوید: «خیلی خوب است که از نویسندگان و آثارشان حمایت کنیم. من با نفس کار موافق هستم که چنین جایزه گرانی به اهل ادبیات داده شود. ۱۱۰ سکه آدم را غلغلک می‌دهد. حتی اگر پنج تا هم بود اینقدر مهم بود. با این وضعیت کسادی که اهل قلم با آن روبه‌رو هستند و حق قلم‌های پایینی که دریافت می‌کنند باید به کتاب اهمیت داده شود.» او که تنها دو جلد از این کتاب را خوانده، می‌گوید: «تا زمانی که کار تمام نشده است نمی‌توان درباره کار نظر داد. نکته مهم این است که انوری آستین همت را بالا زده و می‌نگارد و نویسنده شش دنگی است که همه وقتش را در این کار گذاشته است. در حالی که خیلی از این نویسندگان، وقت این کار را هم ندارند. نفس کار خوب است و باید امیدوار باشیم که در یک چشم‌انداز کلی اثر موفق باشد.» جلالی معتقد است: «هیچ اثری مطلق نیست اما باید از نوشته و نویسنده در هر جناحی که باشد حمایت کرد.»

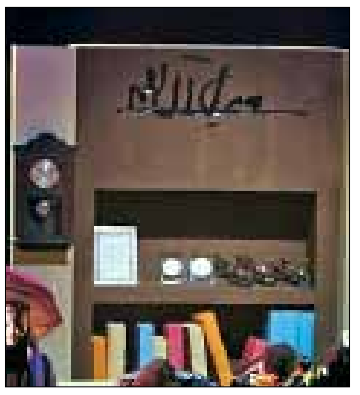

ناظری دوباره برای شاهنامه می‌خواند

شرق: هم‌اندیشی هزارمین سال سرایش شاهنامه «مسیحای پارسی» دوشنبه ۳۰ آبان با حضور استادان بنام و شاهنامه‌پژوهانی از ایران و تاجیکستان در مجموعه فرهنگی تاریخی کاخ گلستان برپا می‌شود. اجرای قطعه درفش کاویانی توسط شهرام ناظری به همراه گروه فردوسی و آیین نقالی و شاهنامه‌خوانی از جمله برنامه‌های پیش‌بینی شده است.

تجلیل از عبدالرحیم جعفری

شرق: همزمان با هفته کتاب و سالروز تاسیس موسسه انتشاراتی امیرکبیر، جمعی از اهل قلم و نشر در منزل عبدالرحیم جعفری، بنیان‌گذار انتشارات امیرکبیر، حضور یافتند و از او تجلیل کردند. در این مراسم، افرادی همچون لیلی گلستان، محمد بهارلو و داوود موسایی، مدیر نشر فرهنگ معاصر و جمعی دیگر حضور داشتند.

آرش امینی و بالاترین نشان هنری تاجیکستان

شرق: ارکستر اپرای شهر دوشنبه با رهبری آرش امینی، روز جمعه ۲۷ آبان در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان به صحنه رفت و در پایان، نشان درجه یک هنری تاجیکستان که به‌عنوان بالاترین نشان هنری وزارت فرهنگ و هنر تاجیکستان شناخته می‌شود، به آرش امینی، رهبر میهمان ارکستر اعطا شد.

شوخی کوچکی که تمام شد

شهرزاد همتی

قدیمی‌ترین تاریخچه مکتوب در مورد فرش قرمز، به نمایش «آگاممنون» بازمی‌گردد. آن گونه که در سایت «هالیوود ریپورتر» به این مساله اشاره شده است، در واقع نخستین فرش قرمز هنری برای یک نمایش پهن شد. نه آن گونه که ما تصور می‌کنیم در سینما و برای نمایش فیلم رواج پیدا کرده است. آنها فرش قرمز پهن کردند، چون روسای دولت می‌خواستند از روی آن عبور کنند. اشارات دیگر تاریخی هم وجود دارد که این کار یک سنت شرقی بوده است. وقتی آدم‌های مهم می‌خواستند وارد دربار شوند، از فرش قرمز رد می‌شدند. ماجرا در ایران از سینما شکوفه خیابان خاوران تهران محله مسعود کیمیایی و فیلم «محاکمه در خیابان» آغاز شد؛ اتفاقی که برای خیلی‌ها یک نقطه عطف در سینما بود. بعد از آن مراسم فرش قرمز برای فیلم «بی‌پولی» حمید نعمت‌الله برگزار شد و سپس برای فیلم «آل» به کارگردانی بهرام بهرامیان. حالا چند روزی می‌شود که خبر ممنوعیت افتتاحیه فرش قرمز در سینمای ایران به دلیل الگوبرداری از نمونه فرنگی آن روی خبرگزاری‌ها قرار گرفته. هرچند با نگاهی دقیق به این ماجرا می‌توان دریافت فرش قرمز ایرانی تفاوت‌های زیادی با فرش قرمز هالیوودی دارد. هرچند تلاش بسیاری برای تبلیغ این فیلم‌ها صورت می‌گیرد، اما پهن کردن فرش قرمز، نیمی از این کار را انجام می‌دهد. در کشورهای دیگر، کاخ جشنواره دارند. این مرکز خارج از فضای شهری است و برایش برنامه‌ریزی می‌کنند. ولی ما اگر برای هر فیلم مراسم فرش قرمز داشته باشیم، با مشکلات بسیاری مواجه می‌شویم. البته ما در گذشته هم این کار را در سینما انجام می‌دادیم. عده‌ای دعوت می‌شدند و فیلم را می‌دیدند، اما نام آن افتتاحیه بود نه فرش قرمز. اما حالا جلو همین اجرای نصفه‌نیمه هم گرفته شد. از طرفی مسوولان برگزاری این مراسم تاکید دارند که هیچ ابلاغیه‌ای از سمت شورای سیاست‌گذاری سینمای وزارت ارشاد نگرفته‌اند. علیرضا سجادپور مدیریت ارزشیابی سینمایی وزارت ارشاد می‌گوید: «البته این سخن از جانب یکی از مدیران سینماهای تهران است که برداشت شخصی خودش را گفته. من عرض کردم که ماجرای opening و برگزاری افتتاحیه در سینمای ایران بلامانع است اما نه با نام فرش قرمز و کپی‌برداری کاملا غربی. چند مراسم فرش قرمز در ایران درست به شیوه غربی‌ها برگزار شد که ما همان دو سال پیش اعلام کردیم که این شیوه در ایران راه به جایی ندارد و ممنوع است. ما با تبلیغی که متعلق به فرهنگ ما نشود، برخورد قاطع می‌کنیم و با هیچ برنامه تبلیغاتی هم مشکلی نداریم.» سجادپور ادامه داد: «در این مراسم‌ها لیموزین و بادیگاردهای قوی‌هیکل به نمایش گذاشته می‌شد و بیشتر شبیه سالن مد بود و عوامل فیلم مربوطه هم عملا سالن را شبیه آرایشگاه کرده بودند.» مدیریت نظارت بر ارزشیابی سینمایی وزارت ارشاد گفت: «اصلا بحث مخالفت با فرشی که پهن می‌شود نیست، اما پهن کردن این فرش مصیبت‌های بعدی را به دنبال دارد. همین الان هم چندین مراسم افتتاحیه سینمایی در ایران برگزار شده که مناسب با فرهنگ ایران بوده و ما هیچ مشکلی با آن نداشتیم. کسانی که می‌خواهند چنین مراسمی داشته باشند طرح خود را به ما تحویل می‌دهند و مطابق با فرهنگ و رسوم ایرانی-اسلامی آن را برپا خواهند کرد.» هرچند باید یادآور شد که سینما امری جهانی است و اتفاقات و کارناوال‌های آن نیز باید یک‌شکل و پیوسته باشد اما مدیران سینمایی این شیوه را دوست ندارند و با این اوصاف و گفته‌های علیرضا سجادپور ممنوعیت برگزاری فرش قرمز حقیقتی است که به یک اتفاق جدید هرچند نه‌چندان کامل در سینما پایان داد و باید در انتظار یک نام دیگر و یک شیوه دیگر برای آن بود.

گزارش تصویری

آلبوم «شوق‌نامه» در هفتمین نشست باشگاه موسیقی با حضور محمدرضا درویشی، حمیدرضا اردلان، همایون شجریان، ساسان فاطمی و دیگر استادان موسیقی ایرانی نقد و بررسی شد. محمدرضا درویشی، سرپرست گروه عبدالقادر مراغی در سخنانی با تمجید از صدای همایون در آلبوم شوق‌نامه گفت: «شوق‌نامه» اثری است که مراحل تمرین، ضبط و تولیدش شش سال به طول انجامید و پیش از آن نیز چند سالی تفکر و مطالعه در این زمینه داشتم، بنابراین نمی‌توان چنین آلبومی را در یک جلسه کوتاه مورد بررسی، نقد و تحلیل موشکافانه قرار داد.

اولین فیلم سینمایی حمید امجد با نام آزمایشگاه با بازی باران کوثری ، رامبد جوان و افشین هاشمی برای‌حضور در جشنواره فیلم فجر در آخرین مراحل فیلمبرداری قرار دارد.

این فیلم داستان یک جوان خجول شهرستانی است که با رتبه اول فارغ‌التحصیل و برای استخدام به آزمایشگاه یک بیمارستان می آید و با جریانات حرفه ای و عاطفی روبه رو می شود. این فیلم نخستین ساخته حمید امجد نویسنده، پژوهشگر و کارگردان تئاتر است که به تهیه کنندگی محمد احمدی ۹۰ درصد از فیلمبرداری خود را پشت سر گذاشته است و در سی‌امین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به نمایش در خواهد آمد.

ایلنا: نمایشگاه آثار هنرمند ایرانی در گالری جم در کویت برپا شد. گالری جم که زیر نظر بنیاد فرهنگی جم (JAMM) قرار دارد، از امروز میزبان آثار هنرمندانی از کشورهای ایران و عرب است که از میان هنرمندان ایرانی حاضر در این نمایشگاه می‌توان به فرهاد مشیری، پرویز تناولی و فریده لاشایی اشاره کرد. نمایشگاه آثار هنرمندان ایران و عرب با عنوان «چگونه یکدیگر قدیم که ترسیم و عاشق هنر اکرلیک (وام گرفته از غرب) باشیم» در سالن گالری جم زیر نظر بنیاد فرهنگی جم در کویت برگزار می‌شود.

کلبه کوچک من

غوغای زکریا و غوغای آیه‌ها (۸۸)

اردشیر خرمنکوب

■ خداوند بلافاصله پس از بیان آن که ای زکریا، تا سه روز زبان تو از کار می‌افتد، از وی می‌خواهد که به یمن این بشارت بزرگ، پروردگار خود را بسیار یاد کند و به هنگام صبح و شام او را تسبیح گوید: «.. واذکر ربک کثیرا و سبح بالعشی والابکار.» این مکالمه زکریا با فرشتگان و خداوند، تماما در محراب عبادت زکریا صورت می‌پذیرد. در این سوره، بیان داستان زکریا، تا همین جا آمده، اما در سوره مریم، خداوند ضمن یادآوری همین نکته‌ها، متعمدانه و ادیبانه از تکرار تذکر نهایی پرهیز کرده و هیچ اشاره‌ای به توجیه پایانی «واذکر ربک کثیرا و سبح بالعشی والابکار» نمی‌کند. زیبایی ادبی و معماگونگی آیه‌های قرآن، در ادامه داستان رخ می‌نماید. آنجا که در سوره مریم، زکریا: «فخرج علی قومه من المحراب» از محراب عبادت، به سوی مردم خویش خروج می‌کند و با ایما و اشاره و رمز به آنان می‌فهماند که خدای را صبح و شام تسبیح گویند: «فاوحی الیهم آن سبحوا بکره و عشیا.» لطف نازنینی که علاوه بر این، می‌شود از این سخن استنتاج کرد، در همین توصیه زکریا به مردم است. و حال آنکه در آیه چهل‌ویکم سوره آل‌عمران، خداوند از خود زکریا و نه از مردم، خواسته است که به نشانه سپاس و بشارت یحیی، صبح و شام تسبیح خدای کند. آنچه مرا ذوق‌زده می‌سازد، به ذوق‌زدگی زکریا نیز مربوط است. این پیامبر پیر با علم به اینکه می‌داند فرمان تسبیح برای خود اوست (که صاحب فرزند می‌شود) اما آنقدر شادمان است که دوست دارد همه مردم قومش نیز در این شادمانی بزرگ سهیم باشند. به همین دلیل، با همان زبان بسته و با ایما و اشاره، مردم را نیز به تسبیح خدا فرامی‌خواند تا همگی به شوق بشارت یحیی سپاس و تسبیح خدا گویند. من حتی پایکوبی آسمانی این پیامبر کهنسال را نیز می‌توانم تجسم کنم. پیشنهاد من برای شما این است که اشارات دو سوره آل‌عمران و مریم را در همین باره کنار هم بگذارید و از کشف لذت ادبی و مفهومی آن حظ ببرید. لذت دیگر: Jump Cut تصویر در ادامه همین فراخوانی است. تجسم کنید در فیلم سینمایی ما زکریا از محراب عبادت خارج می‌شود و با حرکات دست و دهان و صورت و شعفی که در چهره دارد، مردم را به تسبیح خدا فرامی‌خواند. صحنه بعدی، ظاهرا باید این باشد که مردم را و همسر نازای او را در حال عبادت و سپاس از خدا ببینیم، اما این‌گونه نیست. بلکه صحنه بعدی پسرکی را نشان می‌دهد یحیی‌نام که خدا در همان کودکی او را به پیامبری برگزیده و به او می‌فرماید: این کتاب را محکم بگیر: «یا یحیی خذ الکتاب بقوه و اتینه الحُکم صبیا.» یحیی و عیسی هر دو هم‌عصر همند. و هر دو جوان. و هر دو پیامبر. مردمان قوم آنقدر از راه درست دور شده‌اند که تاب سخنان ناب این دو را ندارند. یحیی را به تلخ‌ترین شکل می‌کشند و با تمام استعداد به مخالفت عیسی برمی‌خیزند. زکریا اگر می‌دانست سرانجام فرزندی که به اصرار از خدا می‌خواهد این‌گونه خونین و دردناک است، آیا باز برخواسته خود پای می‌فشرد؟ پاسخ من این است: بشر تاریخ، باید و حتما از جهل به‌در می‌آمد. و این مهم، ممکن نبود جز با صبوری و صبوری و بذل جان. و من، صف‌درصف، پیامبران پاک‌نهاد بسیاری را می‌بینم که از جان خود گذشتند تا بشر لجوج، دست از لجاجت و جهل خود بردارد. بشری که با همه استعداد، خود را به جهلی غلیظ طناب‌پیچ کرده است، هرگز به یک موعظه خشک، به موضع فهم و عقل پای نمی‌نهد. بشری که به چشم خود معجزه پروردگار یکتا را می‌بیند و همان دم از پیامبرش بت طلب می‌کند، جز با صرف هزینه‌های سنگین، به جاده درستی درنمی‌افتد. هزینه سنگینی که خدا با ظهور پیامبران پاک خود و رنج و زخم و شکنجه و قتل آنان متحمل شد. تا بشر، به وادی عقل و رشد پای نهد.

ادامه دارد

دور دنیا

مور و استون در وال استریت

■ اعتراض هنرمندان هالیوود به سیاستمداران وجه دیگری است که این روزها علاوه بر جنبش وال‌استریت در رسانه‌های دنیا مطرح است. این روزها مایکل مور و الیور استون سردمدار این نگاه هستند. به گزارش رویترز الیور استون که برای نمایش جدیدترین مستند خود «داستان ناگفته آمریکا» به الجزایر سفر کرده است، در کنفرانس خبری این جشنواره گفت: «من واقعا از این بحران مالی جهانی و مقدس بودن پول در آمریکا شوکه شده‌ام. پس از آمدن اوباما به کاخ سفید، آمریکا همچنان یک کشور غیردموکراتیک محسوب می‌شود و هیچ‌چیز نمی‌تواند به تغییر این سیستم کمک کند و در این میان طبقه متوسط بزرگ‌ترین قربانی است.» وی با اشاره به اینکه جنبش مردمی وال‌استریت اگر به جای نیویورک به واشنگتن منتقل شود، تاثیرات به مراتب بهتری خواهد داشت، گفت: «دولت آمریکا با این حربه که کمونیسم دنیا را دارد فرا می‌گیرد زندگی کرده است، درحالی‌که کمونیسم در سال ۱۹۸۹ فرو پاشید. البته با وجود تمام این مشکلات در این میان کورسویی بسیار کوچک از امید وجود دارد که اگر خوشبین باشیم، شاید اعتراضات اخیر مردم آمریکا بتواند تغییراتی به‌وجود آورد.» اولیور استون حضور در جنگ ویتنام را موجب از هم پاشیده‌شدن زندگی‌اش دانست و گفت: «تنها پس از جنگ بود که واقعیت قدرت نظامی ـ صنعتی را فهمیدم. این سیستمی است که در حال تخریب دنیاست و درباره حمایت آمریکا از اسراییل نمی‌توان در داخل آمریکا صحبت کرد. در چنین محیطی که قدرت، پول، رسانه و لابی در اوج قدرت قرار دارد، هیچ حقیقتی به‌دست نمی‌آید.» اما مایکل مور که خود از حاضران در این جنبش است، مورد انتقاد قرار گرفته است. به گزارش فارس از فاکس نیوز، مایکل مور یکی از منتقدان همیشگی دولت آمریکا با وجود حمایتش از قیام مردمی وال‌استریت، به دلیل ثروت چند میلیون دلاری و همچنین خانه ۱۰هزار فوت مربعی خود (معادل حدود ۱۰۰۰ مترمربع) به ارزش چند میلیون دلار و در کنار سومین برکه زیبای جهان، این روزها به شدت مورد انتقاد معترضان نظام سرمایه‌داری آمریکا و همچنین برخی از رسانه‌هاست.